

فضیلت و طهارت اهل بیت

- ۲ -

در بخشی اول این گفتار پیرامون آیه تطهیر و این که بیشتر مفسران و دانشمندان اسلام نزول آیه مزبور را در شان پیغمبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام می‌دانند بتفصیل و با ذکر اخبار و روایات معتبر بحث‌گافی بعمل آمد، اینک در دنبال آن، چند آیه دیگر که در ستایش اهل بیت وارد شده است می‌آوریم و پس از آن بذکر پاره‌یی از اخبار و روایات در همین زمینه از کتب معتبر اهل سنت می‌پردازیم.

آیه دوم - ... قل لا اسألكم عليه اجراً الا المودة فی اتقربی ومن یقترف حسنة نزد له فیها حسنا، ان الله غفور شكور^۱. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (ترجمه: بگو [ای پیغمبر] من از شما پاداشی برای تبلیغ رسالت نمی‌خواهم مگر دوستی نزدیکان و اهل بیتم را. و هر کس کار نیکی (دوستی اهل بیت) انجام دهد. پاداش او را زیاد می‌کنیم همانا خداوند آمرزنده و پاداش دهنده (شکر بندگان) است).

در کتاب الصواعق المحرقة ابن حجر عسقلانی از بزرگان و دانشمندان اهل سنت ص ۱۰۱ بنقل از ابن عباس: مقصود از اقرار (اكتساب) حسنه در آیه ذکر شده دوستی اهل بیت بیان شده است^۲.

۱- سورة شوری آیه ۲۳ .

۲- فضائل الخمسة من الصالحات الستة ، سید مرتضی حسینی فیروزآبادی . ج ۲ ص ۶۷ ، ج تهران .

زمخشری در تفسیر معروف خود، کشف و سیوطی در کتاب الدر المنثور در تفسیر آیه: قل لا اسألكم علیه اجراً ... گفته‌اند: اقرار حسنه دوستی خاندان و آل پیغمبر صلی الله علیه و آله است. بیضاوی در تفسیر معروف خود در ذیل همین آیه نوشته است: از رسول خدا (ص) پرسیدند: این خویشاوندان چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندشان^۳.

آیه سیم - فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءكم و نساءنا و نساءكم و انفسنا و انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنت الله على الكاذبين^۴.

ترجمه: پس کسانی که (از پیروان عیسی ع) باتو درباره عیسی به بحث و جدل پردازند، بعد از آن که بر تو بدلائل معلوم شده که او بنده خداست، به آنان بگو: بیاید تا بخوانیم پسران ما و پسران شما و زنان ما و زنان شما و خود ما و خود شما را سپس به مباحله (یعنی نفرین کردن بر دروغگو) پردازیم. و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم.

این آیه هنگامی نازل شد که پیغمبر چندین بار پیروان عیسی را باسلام دعوت کرد و آنان را از پرستش عیسی و اعتقاد بالوهیت وی سرزنش فرمود و در برابر این که عیسی بی پدر وجود آمده است و همین امر موجب اعتقاد به خدایی او شده بود، آدم ابوالبشر نیز بی پدر و مادر آفریده شده است، پیغمبر به آنان می فرمود که عیسی بنده بی ازبندگان خدا بوده که چون دیگر بندگان می خورد و می آشامید و می خوابید. مسیحیان که از مردم نجران بودند در برابر گفته های پیغمبر برستیز و لجاج خود باقی ماندند و دست از اعتقاد نادرست خود برنداشتند، از این رو پیغمبر آنان را به مباحله دعوت کرد و روش مباحله چنان بود که هر طرف گرمی ترین نزدیکان خود را با خود می آورد و آن گاه به مباحله می پرداختند. پیغمبر صلی الله علیه و آله از میان همه فرزندان و خویشان و نزدیکان و زنان خود، دو فرزند خود امام حسن و امام حسین و دختر گرمی خود فاطمه زهراء و

۳- ماخذ سابق همان صفحه و انوار التنزیل و اسرار التأویل ص ۶۴۲، چ عثمانیه.

۴- سوره آل عمران، آیه ۶۱.

نزدیکترین خویشاوند خود علی علیه السلام را که قرآن از او به نفس پیغمبر تعبیر کرده است با خویشتن همراه آورد .

در تفسیر این آیه که به آیه مباهله شهرت یافته است همه مسلمانان اتفاق دارند و کسانی را که پیغمبر برای مباهله با خود برد همان چهارتن بزرگواری که نام آنان ذکر شد می دانند و هیچکس در آن اختلافی ندارد .

چه سندی برای فضیلت و بزرگواری اهل بیت پیغمبر از گفته خداوند در این آیه قرآن گویاتر و روشن تر می توان یافت ؟

چنان که مفسران نوشته اند ، مباهله صورت نگرفت و نصارای نجران حاضر به پرداخت جزیه شدند و از مباهله خودداری کردند . چون سبب را از بزرگ خود اسقف نجران پرسیدند گفت : من حالت روحانیت و شکوهی در محمد و همراهان او دیدم که اگر لب به نفرین می گشودند یکتا تن از پیروان عیسی در روی زمین باقی نمی ماند .

زمخشری در کشف حدیثی از امام المؤمنین عایشه در ذیل تفسیر این آیه نقل می کند که هم دلیلی روشن بر فضیلت اهل بیت است و هم نزول آیه تطهیر را درباره علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام تأیید می کند . عائشه در پیرامون آیه مباهله چنین گفته است : « پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله بیرون شد و کسانی از پشم سیاه بردوش افکنده بود چون حسن و حسین و فاطمه و علی آمدند آنان را نیز داخل کسا کرد و این آیه را قرائت فرمود : انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت » آن گاه زمخشری سؤالی بدین گونه ایراد می کند : مقصود از مباهله این بود که دروغگو از میان پیغمبر و دشمنش آشکار شود و این از امور مختص بخود او و طرفش بود ، دیگر چرا از فرزندان و زنان برای مباهله دعوت بعمل آمد ؟ در جواب می گوید : این روش برای اثبات مدعی و این که پیغمبر در صدق گفتار خود هیچگونه تردیدی نداشت ، استوارتر است زیرا پیغمبر جرات کرد که عزیزترین و محبوبترین کسان خود را که همچون پاره جگر او بودند در معرض چنان کار خطیری قرار دهد ... و از میان کسان خود فرزندان و زنان را اختصاص باین کار داد زیرا ایشان عزیزترین و نزدیکترین کسان وی بودند ... و نام آنان را در ذکر بر نام «انفس» (خود) مقدم آورد تا مردم لطف مکانت و قرب منزلت آنان را برساند ... و این بزرگترین

دلیل بر فضیلت اصحاب کساء علیهم السلام می باشد^۵ .
 آیه چهارم - انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون
 الزکوة وهم را کعون^۶ .

(ترجمه : همانا ولی (اولی بتصرف) شما خدا و پیغمبر خدا و کسانی است که ایمان
 آورده اند همان کسان که نماز می گزارند و در حال رکوع اتفاق می کنند .)

زمخشری در تفسیر این آیه چنین نوشته است : « این آیه درباره علی کرم الله وجهه
 نازل شده است ، هنگامی که نماز می گزارد و در رکوع بود ، سائلی از وی چیزی طلب کرد ،
 علی انگشتری خود را از انگشت در آورد و بوی بخشید . »

پس از ذکر این قسمت ، این سؤال را طرح می کند : اگر گفته شود با این که آیه در
 وصف علی است چرا بصورت جمع (الذین) آورده شده است ؟ جواب این است که اگرچه
 سبب نزول آیه یک مرد است ولی برای این که همه مردم ترغیب شوند تا درین کار نیک بوی
 تأسی کنند به لفظ جمع آورده شده است^۷ .

آیه پنجم - واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا ... (آل عمران ۱۰۳) .

ترجمه : همگی شما در ریسمان خدا (دین یا کتاب خدا) چنگ زنید و پراکنده
 نشوید ...

امام ثعلبی در تفسیر بزرگ خود بسندی که به ابان بن تغلب منتهی می شود ، از امام
 جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود : ما همان « حبل الله » هستیم که
 در قرآن کریم آمده است : واعتصموا بحبل الله جمیعاً .

ابن حجر در پیرامون آیاتی که درباره اهل بیت نازل شده است ، در کتاب صواعق ،

۵- تفسیر کشاف ، جارا الله زمخشری خوارزمی (۶۷-۵۲۸ هـ) ص ۴۳۴ ، مجلد اول ، چ تهران .

۶- سوره مائده ، آیه ۵۵ .

۷- تفسیر کشاف ، ص ۶۲۴ .

فصل اول از باب ۱۱، آیه نامبرده را، آیه پنجم از آیات نازلۀ دربارۀ اهل بیت شمرده است هم چنین گفته ثعلبی را که از امام جعفر صادق نقل شده در کتاب خود آورده است.

امام شافعی نیز، بنا بر نقل امام ابوبکر بن شهاب الدین در کتاب رشفة الصادی اشعاری دارد که، «حبل الله» را دوستی و موالات اهل بیت دانسته است:

و لما رأیت الناس قد ذهبتم بهم مذاهبهم فی ابحر الفی و الجهل
رکبت علی اسم الله فی سفن النجا وهم اهل بیت المصطفی خاتم الرسل
و امسکت «حبل الله» وهو ولاؤهم كما قد امرنا بالتمسک «بالحبل»^۸

ترجمه: چون دیدم مردم در مذاهب خود بدریای گمراهی و نادانی فرورفته اند بنام خدا بر کشتی نجات سوار شدم آن کشتی اهل بیت حضرت مصطفی خاتم انبیاست و به «حبل خدا» که دوستی ایشان است چنگ زدم همان گونه که ما را به چنگ زدن به آن ریسمان فرمان داده اند.

در بیت دوم شافعی بحدیثی دیگر که دربارۀ فضیلت اهل بیت است اشاره می کند و آن حدیث از ابوذر صحابی بزرگوار و صادق القول روایت شده است که پیغمبر فرمود: مثل اهل بیته مثل سفینة نوح من رکبها نجا ومن تخلف عنها غرق.

ترجمه: اهل بیت من همچون کشتی نوح هستند هر کس بر آن سوار شود نجات می یابد و هر کس تخلف کند غرق می شود.

این حدیث در صحاح اهل سنت آمده است^۹.
آیه ششم - و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمنا و اسیراً^{۱۰}.

۸- المراجعات - علامۀ تحریر سید شرف الدین عاملی، ج نجف، ص ۶۲.

۹- فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ص ۵۶، ج دوم.

۱۰- سوره دهر (هلانی)، آیه ۸ شاعر اهل بیت شیخ کاظم ازری شأن نزول سوره هلانی را با

این تعبیر لطیف و باصنعت ادبی (جناس تام) در ضمن قصیده یی بیان کرده است:

هلانی، هلانی بمدخ سواهم ؟ لا و مولی بل کرهم حلالها

ابن اثیر جزری در کتاب اسدالغابه (ج ۵ ص ۵۳۰) در شرح حال فضه بسند از مجاهد و او از ابن عباس چنین آورده است: ابن عباس در تفسیر آیه کریمه: یوفون بالنذر و یخافون یوما کان شره مستطیراً. و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمما و اسیراً (ترجمه: به نذر خود وفا می کنند و از روزی که شر آن پراکنده و همه جانبه است می ترسند و در راه دوستی خدا به مسکین و یتیم و اسیر طعام می دهند). گفته است: حسن و حسین علیهما السلام را ناخوشی عارض شد، جد آنان، رسول خدا، صلی الله علیه و آله و عامه مردم عرب از آن دو عیادت کردند و به علی گفتند: یا ابا الحسن شایسته است برای بهبودی فرزندان نذری کنی. علی گفت: اگر بهبودی یابند برای شکر خداوند عزوجل سه روز روزه شکر خواهم گرفت. فاطمه علیها السلام نیز بدان گونه سخن گفت. پس از فاطمه علیها السلام، فضه کنیز آن حضرت گفت: اگر دوسرور من بهبودی یابند من نیز برای سپاسگزاری خدا روزه می گیرم.

دو جوان لباس عافیت پوشیدند ولی در خانه آل محمد هیچ چیز از کم و زیاد یافت نمی شد. علی علیه السلام نزد شمعون خیبری رفت و از وی سه صاع جو بقرض گرفت و آن را بخانه آورد. فاطمه یک صاع از آن را آرد کرد و از آن نان پخت.

علی به مسجد رفت و بار رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزارد، آن گاه بخانه آمد و طعام (یعنی همان گرده نان جو) در پیش وی گذارده شد تا روزه خود را بشکند. درین هنگام مسکینی بر در خانه ایستاد و گفت: درود بر شما ای خاندان محمد، من مسکینی از فرزندان مسلمانان هستم، مرا سیر کنید تا خدا شمارا از مائده های بهشت سیر کند. علی علیه السلام فریاد او را شنید و فرمان داد طعام خودشان را به فقیر بدهند و آن شب و روز بعد بی طعام ماندند و فقط آب آشامیدند.

چون روز دوم شد فاطمه علیها السلام یک صاع دیگر را آرد و خمیر کرد و نان پخت. علی مانند روز پیش نماز را در مسجد با پیغمبر خواند و بخانه آمد و سفره طعام در پیشش نهاده شد هنوز به خوردن شروع نکرده بود که یتیمی آمد و از در خانه فریاد زد و گفت: ای اهل بیت محمد درود بر شما! یتیمی از فرزندان مهاجران که پدرش بدرجه شهادت رسیده است بر در خانه است. او را طعامی دهید. غذای خود را به او دادند و دو روز

جز آب چیزی نه چشیدند .

چون روز سیم شد فاطمه علیها السلام آخرین صاع جورا آرد کرد و نان پخت و علی مانند روزهای پیش به مسجد رفت و نماز را با پیغمبر خواند و بخانه آمد . نان جورا برای افطار در پیشوی گذاردند ، درین هنگام اسیری بر در خانه ایستاد و گفت درود بر شما ای خاندان نبوت ، بمن طعامی دهید زیرا من اسیر هستم ، پس طعام خود را بوی دادند و سه روز و شب گرسنه بسر بردند و جز آب چیزی نه چشیدند .

رسول خدا صلی الله علیه و آله بدیدن ایشان آمد و آثار گرسنگی را در سیمای آنان نمایان دید ، درین وقت سوره هلاتی علی الانسان حین من الدهر ... نازل گردید^{۱۱} .

ب - روایاتی از کتب معتبر علمای اهل سنت

و اشعاری از امام شافعی و برخی از شعرا

۱ - صحیح ترمذی ، جزء ۱۳ ، چ مصر .

یوسف بن موسی ... از ابن عمر روایت کرده است که وی گفت : پیغمبر صلی الله علیه و آله میان اصحاب رشته برادری برقرار کرد . درین هنگام علی سر رسید و چشمانش از گریه تر بود ، به پیغمبر خطاب کرد و گفت : یا رسول الله میان اصحاب برادری برقرار کردی و میان من و دیگری پیوند برادری نهستی . پیغمبر فرمود : تو در دنیا و آخرت برادر من هستی^{۱۲} .

۱۱ - فضائل الخمسة ، ج ۱ ، ص ۲۵۴ و ۲۵۵ به نقل از اسد الغابه ، ابن اثیر جزوی ج ۵ ، ص ۵۴۰ .

آیه مورد استناد : و یطمعون الطعام ، آیه هشتم همین سوره است .

در تفسیر کشف ، ج ۴ ، ص ۱۹۷ ، ج تهران نیز در تفسیر آیه : و جزاهم بما صبروا جنة و حریرا از همین سوره داستان روزه گرفتن اهل بیت و آمدن مسکین و یتیم و اسیر به در خانه و اتفاق اهل بیت طعام خود را به آنان و نزول سوره مذکور (هلاتی) در شان اهل بیت با مختصر اختلافی ، آورده شده است .

بیضاوی نیز در تفسیر موجز « مفید خود بنام : « انوار التنزیل و اسرار التأویل » در ذیل آیه مذکور

سفیان بن وکیع ... از انس بن مالک روایت کرده است که وی گفت: در پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله مرغی (بریان) بود. فرمود: بارخدا یا عزیزترین بندگانت را نزد من بفرست تا با من ازین مرغ بخورد. درین هنگام علی آمد و با او از مرغ تناول کرد^{۱۲}.
 دربارهٔ زیادی علم علی علیه السلام این حدیث از طریق خلاد بن اسلم ... از عبدالرحمن ابن عبدالله روایت شده است. وی گفته است: علی می گفت: هرگاه من از پیغمبر سؤالی می کردم پاسخ می داد و چون خاموش بودم او آغاز به سخن می کرد^{۱۳}.

۲- همان مأخذ:

قتیبه از جعفر بن سلیمان و او از ابو هرون و وی از ابو سعید خدری روایت کرده است، ابو سعید خدری گفته است: ما گروه انصار منافقان را از راه دشمنی آنان با علی بن ابی طالب می شناختیم ...

حدیث دیگری در همان کتاب از ام المؤمنین ام سلمه روایت شده است که وی گفته است: پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم می گفت: هیچ منافقی علی را دوست ندارد و هیچ مؤمنی دشمن او نیست^{۱۳}.

۳- همان کتاب:

حدیثی از سفیان بن وکیع نقل شده است که سند آن به براء بن عازب منتهی می شود. براء گفته است: پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی بن ابی طالب گفت: تو از منی و من از توام^{۱۳}.

همین حدیث از طریق اسمعیل بن موسی بدین گونه روایت شده است: پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: علی از من است و من از علی هستم. هیچکس دین مرا

→

داستان اطعام به مسکین و یتیم و اسیر را به نقل از ابن عباس به اختصار آورده است.

تفسیر بیضاوی، مطبعه عثمانیه، ص ۷۷۵، ۱۳۰۵ هـ.

۱۲- صحیح الترمذی، ص ۱۷۰.

۱۳- صحیح ترمذی، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

ادانمی کند مگر خودم یا ، علی ^{۱۴} .

حدیث دیگر درباره علی از طریق محمد بن بشار نقل شده است که پیغمبر فرمود :
«من كنت مولاة فعلى مولاة» (هر کس را من مولی (اولی بتصرف) باشم علی نیز
مولای اوست) ^{۱۵} .

این همان حدیث مربوط به غدیر خم است که همگی محدثان و دانشمندان شیعه در
درستی آن اتفاق دارند و بیشتر محدثان و مورخان سنی نیز آن را درست دانسته اند .
حسان بن ثابت شاعر معروف پیغمبر (ف . ۵۰ یا ۵۴ هـ) که خود واقعه غدیر خم را
درک کرده درباره آن اشعاری سروده است که بخوبی معنی «مولی» و هدف پیغمبر را از
آن اجتماع بزرگ و گفتن آن جمله تاریخی «من كنت مولاة ...» که شیعه آن را نتیجه تبلیغ
رسالت و دلیل قطعی بر خلافت و امامت بلا فصل علی علیه السلام می داند ، بخوبی روشن
می کند ، عین اشعار با ترجمه آنها در اینجا آورده می شود :

ینادیهم یوم الغدیر نبیهم	بخم ، و اسمع بالرسول منادیا
و قال : فمن مولاکم و ولیکم	فقالوا ولم یبدوا هناك التعمایا :
الهک مولانا و انت ولینا	ولن تجدن منالك ، الیوم ، عاصیا
فقال له : قم یا علی فأنشی	رضیتک من بعدی اماماً و هادیا
فمن كنت مولاة فهذا ولیه	فكونوا له انصار صدق موالیا
هناک دعا : اللهم و ال ولیه	و کن للذی عادى علیاً ، معادیا

ترجمه اشعار :

پیغمبر روز غدیر ، در خم مردم را فراخواند

و چه نیکوست گوش دادن به ندای رسول !

گفت : کیست مولا و ولی شما ؟

مردم ، بی آن که از خود نادانی نشان دهند ، گفتند :

۱۴- صحیح ترمذی ، ص ۱۶۹ .

۱۵- همان ماخذ ، ص ۱۶۵ .

خدای تو ، مولای ما و تو ولی ما هستی

و امروز ، در میان ما ، عصیان کننده بی نخواهی یافت .

آن گاه به علی فرمود : بپاخیز ای علی خشنودم

که پس از من ، تو امام و راهنما هستی

هر کس را من مولا هستم علی ولی اوست

پس شما همگی یاران و دوستانان راستین او باشید .

آنجا ، پیغمبر دعا کرد : بار خدایا دوستان او را دوست بدار

و دشمنان او را دشمن بدار !

هنگامی که حسان اشعار خود را خواند پیغمبر صلی الله علیه و اله وسلم بوی گفت:

همواره ای حسان ، تامل ما را به زبانت یاری می کنی روح القدس یاورت باشد ! این اشعار را

بیشتر مورخان منصف شیعه و سنی در کتب خود آورده اند^{۱۶} .

۴- التاج (الجامع الاصول فی احادیث الرسول ص) شیخ منصور علی ناصف ، جزء

۳ ، ج قاهره .

زید بن ارقم روایت کرده است که پیغمبر خدا صلی الله علیه و اله به علی و فاطمه و

حسن و حسین فرمود : من با آن کس که دشمن شما باشد دشمنم و با هر کس که دوست

شما باشد دوستم^{۱۷} .

شهره شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۶- فضائل الخمسة ، ص ۴۰۶ ، جزء اول

در همین کتاب سبب سرودن شعر بدین گونه بیان شده است :

حسان نزد پیغمبر صلی الله علیه و اله آمد و گفت : یا رسول الله آیا اجازه می دهی من درباره این واقعه

(داستان غدیر خم) شعری بگویم که مایه خشنودی خدا بشود ؟ پیغمبر فرمود : بگو ای حسان بنام خدا . پس

حسان بر روی بلندی از زمین نشست و مسلمانان برای شنیدن اشعارش گردن کشیدند ، آن گاه شروع کرد

بخواندن اشعار خود .

* حسان ، پس از واقعه قتل عثمان و پیش آمدن جنگهای جمل و صفین از علی علیه السلام روی

برگرداند و به دشمنان امام پیوست . دور نیست که پیغمبر صلی الله علیه و اله ازین جهت دعای بر او را محدود

کرده است به زمانی که از وی و خاندانش یاری کند .

۱۷- التاج ، ص ۳۱۰ .

حدیث دیگر از علی رضی الہ عنہ روایت شدہ است کہ پیغمبر دست حسن و حسین را گرفت و گفت : ہر کس مرا دوست بدارد و این دو و پدر و مادرشان را دوست بدارد روز رستاخیز در ہمان درجہ کہ من ہستم بامن خواہد بود^{۱۸} .
۵۔ ہمان کتاب :

از امام المؤمنین عایشہ روایت شدہ است کہ از وی پرسیدند : پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وآلہ کد ام یک از مردمان را بیشتر دوست می داشت ؟ پاسخ داد : فاطمہ را . پرسیدند : از مردان ؟ گفت : شہراو و چنان کہ من اورا می شناختم بسیار روزہ گیر و نماز گزار بود^{۱۹} .
۶۔ ہمان مأخذ

مردی از اہل عراق از عبد اللہ بن عمر حکم خون پشہرا کہ برجامہ (نماز گزار) باشد پرسید . ابن عمر گفت : بہ این مرد بنگرید کہ از خون پشہ می پرسد در صورتی کہ ہمین مردم پسر پیغمبر را کشتند و من از پیغمبر خدا شنیدم کہ می گفت : حسن و حسین دو گل بوستان من از دنیا ہستند^{۲۰} .
۷۔ صحیح مسلم (با شرح نووی) جزء ۱۵ ، چ مصر .

حدیثی از قتیبہ بن سعید و محمد بن عباد نقل شدہ است (و ہر دو در لفظ بیکدیگر نزدیک ہستند) کہ منتهی می شود بہ عامر بن سعد بن ابی وقاص . وی از پدرش سعد چنین روایت کردہ است : سعد گفتہ است : معاویہ بن ابی سفیان مرا بہ دشنام دادن بہ علی فرمان داد و گفت چہ چیزی مانع شدہ است کہ تو ابو تراب را دشنام دہی ؟ گفتم : بسبب سہ گفتاری کہ از رسول خدا (ص) دربارہ علی شنیدم ہرگز اورا دشنام نمی دہم . ہمانا اگر یکی از آن سہ مرا نصیب می شد نزد من بہتر از شتران موی سرخ بود . رسول خدا (ص) در یکی از جنگہا علی را بچنگ برد و اورا در مدینہ جانشین خود گذارد . علی گفت : یا رسول اللہ مرا با زنان و کودکان گذاردی ؟ پیغمبر بوی فرمود : آیا خشنود نیستی

۱۸۔ التاج ، ص ۳۱۰ .

۱۹۔ ہمان کتاب ، صفحہ ۱۴ .

۲۰۔ ہمان مأخذ ، صفحہ ۱۵ .

که نسبت تو بمن از جهت منزات مانند نسبت هارون به موسی باشد ، جز این که پس از من پیغمبری نیست ؟

نیز از پیغمبر روز جنگ خیبر شنیدم که گفت : همانا پرچم را به مردی خواهیم داد که خدا و پیغمبر خدا را دوست دارد و خدا و پیغمبر خدا او را دوست می دارند ، پس همه گردنها بسوی پیغمبر کشیده شد تا آن مرد را به بینند . درین هنگام فرمود : علی را نزد من بخوانید . علی را آوردند و او به درد چشم مبتلی بود ، پس پیغمبر آب دهان خود را در چشم علی انداخت و رایت جنگ را بوی داد . علی به میدان رفت و خدا لشکر اسلام را بدست علی پیروز کرد .

هم چنین هنگامی که این آیه : *قل تعالوا ندع ابناءنا و ابناءکم نازل شد پیغمبر خدا صلی الله علیه و سلم ، علی و فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و گفت : بارخدا یا اینان اهل بیت من هستند*^{۲۱} .

آنچه درین گفتار از آیات قرآن کریم و روایات منقول از نبی اکرم صلی الله علیه و آله در فضیلت اهل بیت آورده شد نمونه بسیار مختصری از مجموعه فراوانی است . آیات قرآنی و احادیث نبوی که علمای اسلام در فضیلت اهل بیت در کتب تفاسیر و حدیث و صحاح آورده اند باندازه بی است که چندین کتاب پر حجم می شود .

این مقدار که در اینجا آورده شد و همه از کتابهای صحاح و تفاسیر علمای بزرگ اهل سنت نقل شده است برای آگاهی کسانی است که گمان می کنند ، احادیثی که شیعیان درباره فضیلت و طهارت اهل بیت در کتب خود آورده اند ، فقط از طریق راویان و محدثان شیعه نقل شده است و تنها کتب علمای شیعه مشتمل بر آنهاست .

از شگفتیهای تاریخ آن است که با این همه آثار و اسناد درباره مقام اهل بیت خاصه علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و تصریح پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به این که هر کس بایشان دشمنی ورزد مانند آن است که بخدا و پیغمبر خدا دشمنی کرده است

و این که منافقان دشمن آنان و مؤمنان دوستدار ایشان هستند ، معهذا همان کسانی که این حدیثها را بفراوانی در کتب خود آورده اند و درستی اسناد و راست گفتاری راویان آن اخبار را تأیید کرده اند ، معهذا کسانی امثال معاویه و عمر و عاص و نظایر آنان را که باعالی خلیفه زمان جنگیدند و دستور دادند که او را بر روی منابر و خطبه ها لعن کنند ، فقط باستناد این که نام صحابه بایشان داده اند مردمی خوب می دادند و دشنام دادن و لعن آنان را گناهی بزرگ می شمردند !

در پایان این گفتار اشعاری از امام شافعی و چند تن دیگر که در مدح اهل بیت گفته اند برای حسن ختام آورده می شود :

یار اکبأ قف بامحصب من منی و اهتف بقاعد خیفها و الناهض
ان کان رفضاً حب آل محمد فلیشهد الثقلان انی رافضی^{۲۲}

ترجمه : ای سواره ، در «محصب» منی بایست

و به کسانی که در «خیف» نشسته یا ایستاده اند فریاد بزن :

اگر دوستی آل محمد نشانه رافضی بودن است

پس همه جهانیان گواه باشند که من رافضیم

(محصب و خیف نام دو محل است در منی)

شعری دیگر :

ال نبی ذریعتی و هم الیه وسیلتی
ارجو بهم اعطی غدا بیدی الیمین صحیفتی^{۲۳}

ترجمه : اهل بیت پیغمبر سبب رستگاری من هستند

و ایشان وسیله وصول من به پیغمبر می باشند

نامه ام بدست راستم داده شود

امیدوارم بایشان که در قیامت

۲۲- فضائل الخمسة ، ج اول ، ص ۸۰ به نقل از حلیة الاولیاء ابی نعیم ، ج ۹ ص ۱۵۲ .

۲۳- همان ماخذ ، ص ۸۱ به نقل از صواعق محرقة ابن حجر ص ۱۰۸ و نور الابصار شبلنجی ص ۱۰۵ .

هم از اوست

یا اهل بیت رسول الله حبکم فرض من الله فی القرآن انزله
کفاکم من عظیم الفضل انکم من لم یصل علیکم لاصلوة له^{۲۴}

ترجمه: ای اهل بیت پیغمبر خدا دوستی شما

از جانب خدا واجب است و قرآن بدان گویاست

بس است بزرگی فضیلت برای شما

که اگر کسی در نماز بر شما درود نفرستد نمازش قبول نیست

محبی الدین ، الشیخ الاکبر در فتوحات :

فلا تعدل باهل البيت خلقا فاهل البيت هم اهل السیادة
فبفضهم من الانسان خسر حقیقی و جبههم عبادة^{۲۵}

ترجمه: هیچ آفریده‌یی را با اهل بیت برابر مکن

زیرا اهل بیت ، اهل بزرگی و بزرگواری هستند

هر کس که آنان را دشمن بدارد زیانکار است

و هر کس ایشان را دوست بدارد عبادت کرده است

شمس الدین بن عربی :

رایت و لائی آل طه فریضة سانی و مرغم اهل البعد یورثنی القربی
فما طلب المبعوث اجرا علی الهدی بتلیفه الا المودة فی اقربی^{۲۶}

ترجمه: من دوستی آل طه را واجب می دانم

بر خلاف مردمی که از حق دورند ، این دوستی مایه نزدیکی است

پیغمبر مبعوث پاداشی برای هدایت

بسبب تبلیغ رسالت نخواست مگر دوستی خویشاوندانش را

۲۴- المراجعات علامه شرف الدین ، چشم ، نجف اشرف ص ۶۰ .

۲۵- فضائل الخمسة ، ج ۲ ص ۸۲ بمنقل از نور الابصار ، ص ۱۰۵ .

۲۶- فضائل الخمسة ، ج ۲ ص ۸۲ به نقل از صواعق محرقة ابن حجر ص ۱۰۱ .

فرزدق شاعر شهیر عصر اموی در ضمن قصیده معروف : هذا الذي تعرف البطحاء
وطئته ، در مدح امام چهارم :

من معشر جهم دين و بفضهم كفرو قريهم منجى و معتصم
ان عداه اهل التقى كانوا ائمتهم او قيل: «من خير اهل الارض؟» قيل: هم^{۲۷}
ترجمه : اينان از گروهی هستند که دوستی ایشان جزء دين

ودشمنی ایشان کفر است، نزدیکی به آنان پناهگاه و موجب نجات است
اگر پرهیزگاران را در نظر بگیریم ، آنان پیشوا هستند
و اگر بپرسند : چه کسانی بهترین مردم روی زمین می باشند؟ گفته می شود: ایشان
پایان

در فراهم آوردن این گفتار از منابع زیر استفاده شده است :

- ۱ - تفسیر کشاف ، جارا لله زمخشری خوارزمی (۴۶۷-۵۳۸ هـ) ، ج اول ، چ تهران .
- ۲ - تفسیر القرآن الکریم ، سید عبدالله شبیر (ف ۱۲۴۲ هـ) چ دوم قاهره ، ۱۹۶۶ م .
- ۳ - تفسیر جلالین (جلال الدین محمد بن احمد محلی و جلال الدین عبدالرحمن سیوطی)
چ قاهره .
- ۴ - تفسیر مجمع البیان ، علامه طبرسی (ف ۵۴۸ هـ) ، جزء ۱ و ۲ ، چ تهران .
- ۵ - صحیح ترمذی (ف ۲۷۹ هـ) ، با شرح ابن عربی مانکی ، جزء ۱۳ ، چ مصر ۱۹۳۴ م .
- ۶ - صحیح مسلم با شرح نووی ، جزء ۱۵ ، چ قاهره .
- ۷ - التاج (الجامع الاصول فی احادیث الرسول) ، شیخ منصور علی ناصف از علمای بزرگ
دانشگاه الازهر ، جزء سیم ، چ قاهره .

- ۸ - فضائل الخمسة من الصحاح الستة ، سيدمرتضى حسينى فيروزآبادى ، جزء اول ودوم ، چ دوم تهران، ۱۳۹۲ هـ.
- ۹ - المراجعات ، علامه سيدعبدالحسين شرف الدين عاملى ، چ ششم نجف اشرف .
- ۱۰ - ریحانة الادب ، محمدعلى مدرس تبريزى ، چ اول ، چ دوم تهران .
- ۱۱ - انوار التنزيل واسرار التأويل ، بيضاوى ، چ عثمانيه ، ۱۳۰۵ هـ.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی